

گزارش تحلیلی «فرهیختگان» از جایگاه تعاونی‌ها در اقتصاد ایران

# تاریکخانه تعاونی

طبق نامگذاری اتحادیه بین‌المللی تعاون، شنبه ۱۵ تیرماه مصادف با نودوششمین سالروز تشکیل این اتحادیه بین‌المللی و روز جهانی تعاون است. براساس گزارش جهانی تعاونی‌ها و اشتغال در سال ۲۰۱۷، نزدیک به سه میلیون (دقیقاً ۲،۹۳۷،۳۲۳ شرکت) تعاونی در جهان وجود دارد و بیش از ۲۷۹ میلیون نفر (تقریباً ۱۰ درصد ساکنان جهان) در این تعاونی‌ها اشتغال دارند یا اینکه منبع اصلی درآمد آنها از تعاونی‌هاست. فراتر از این اعداد، مطالعات مختلف مبین این است که در مقایسه با اشتغال در بخش‌های دیگر، مشاغل تعاونی در طول زمان پایدارتر است. همچنین در تعاونی‌ها شکاف درآمدی کوچک‌تری بین مشاغل مختلف وجود دارد و توزیع متعادل‌تری بین مشاغل تعاونی در مناطق روستایی و شهری شکل گرفته است. در همین زمینه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل چهارم، مقرر می‌دارد نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی خواهد بود. در ادامه نیز در بند ۲۲، سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی مقرر شده است تا پایان برنامه پنجم توسعه (سال ۹۴) سهم بخش تعاون در اقتصاد ایران باید به ۲۵ درصد برسد. اما حالا با گذشت سه سال چشم‌انداز برنامه، علاوه بر اینکه سهم بخش تعاون در اقتصاد ایران به حدود هشت درصد نیز نمی‌رسد، بلکه در سال ۱۳۹۷ نزدیک به ۱۲۰ هزار تعاونی تعطیل یا غیرفعال بوده، سهم بخش تعاون از اشتغال کشور فقط هفت درصد است و از مجموع تعاونی‌های تأسیس شده کشور، فقط ۳۵ درصد فعال هستند. اما مساله مهم‌تر اینکه، با تاریخچه‌ای که از دهه ۷۰ در بخش تعاون ایجاد شد، موسسات مالی و اعتباری با سوءاستفاده از این خلأهای قانونی نتوانستند در سال‌های اخیر ۳۵ هزار میلیارد تومان بدهی ناشی از ورشکستگی خود را از جیب ملت ایران برارند. کارشناسان اقتصادی در گفت‌وگو با فرهیختگان، می‌گویند در بدنه دولت درک درستی از نقش بسیار مهم بخش تعاون در اقتصاد (زنجیره خلق ارزش) وجود ندارد. به گفته کارشناسان، در کشورهایی مانند نیوزیلند، آلمان و آمریکا، بخش تعاونی، بخش بسیار زنده و پویایی از اقتصاد است. این در حالی است که فهم برخی دولتی‌ها از کارکرد بخش تعاون به مثابه تعاونی‌های مربوط به فضای سوسیالیستی قرن هجدهم است.

۹۷ رسیده است. به عبارت دیگر، با مدنظر قرار دادن تعاونی‌های غیرفعال و تعاونی‌های در دست اجرا، در سال ۸۸ حدود ۵۰ درصد از تعاونی‌های کشور فعال بوده که این میزان در سال ۹۷ به حدود ۲۵ درصد رسیده است.

## سهم ۲۵ درصدی از اقتصاد، ۸ درصد هم نیست

مطابق بند ۲۲، سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی، تا پایان برنامه پنجم توسعه یعنی سال ۹۴ سهم بخش تعاون در اقتصاد ایران باید به ۲۵ درصد می‌رسد، با این حال طبق آمارهای سال ۹۵ مرکز آمار ایران و گزارش اتاق تعاون ایران، سهم بخش تعاون از تولید ناخالص داخلی ایران حدود ۸/۳ درصد در سال ۹۵ بوده و مطابق اظهار نظر مسئولان بخش تعاون، سهم این بخش در اقتصاد ایران حدود پنج تا ۶ درصد (اظهارات کلاتری، معاون سابق تعاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (مشاور فعلی وزیر) و فضل‌الله نصیری، رئیس کمیسیون توسعه تجارت و صادرات اتاق تعاون) است. سهم ۸ یا ۶ درصدی بخش تعاون از اقتصاد ایران در حالی است که در کشور نیوزیلند سهم تعاونی‌ها از اقتصاد این کشور حدود ۲۰ درصد (با سهم ۴۲/۳ میلیارد دلاری از تولید ناخالص این کشور در سال ۲۰۱۷) است. همچنین در برزیل تعاونی‌ها سهم ۴۰ درصدی در بخش کشاورزی دارند و در آمریکا نیز سهم بخش تعاون از تولید ناخالص داخلی این کشور حدود ۴۲۰ میلیارد دلار است.

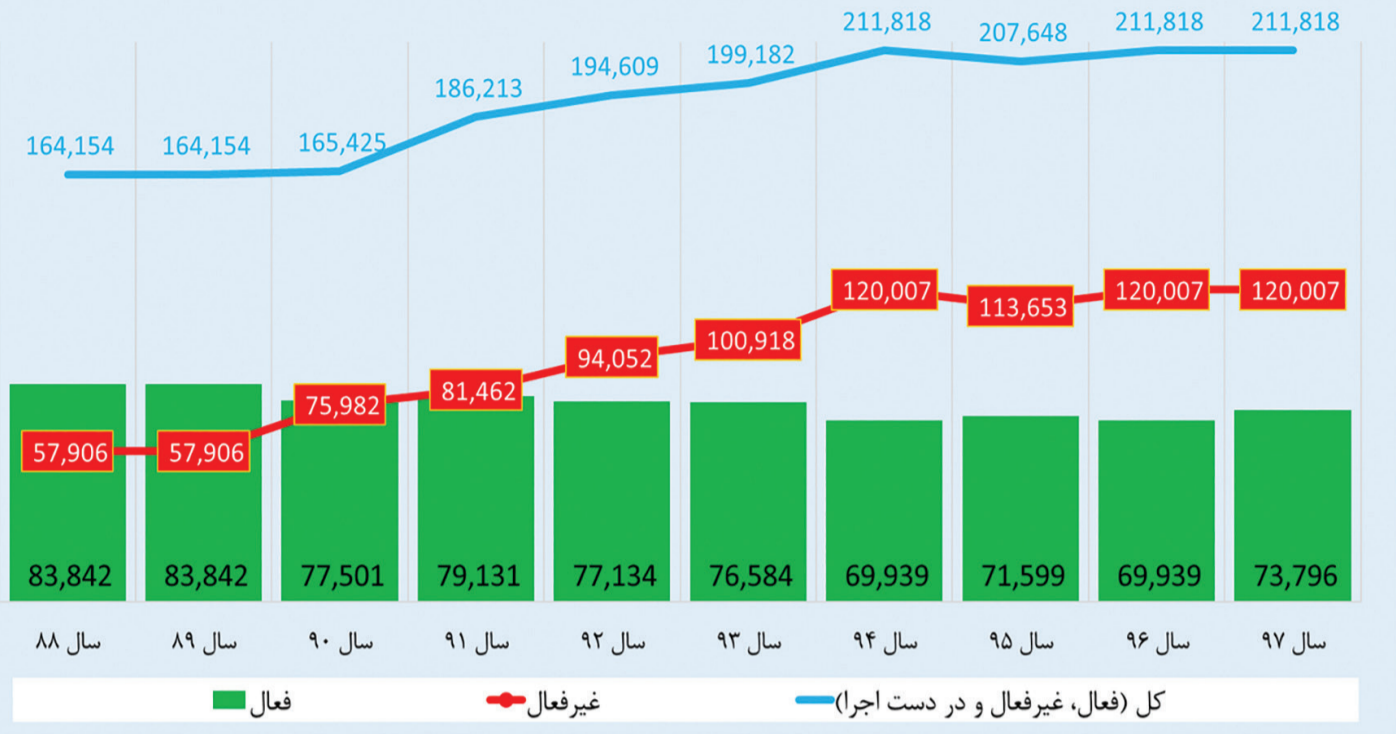
## سهم بخش تعاون از اشتغال؛ فقط ۷ درصد

براساس آنچه گفته شد، برآورد بود سهم بخش تعاون از اقتصاد ایران به ۲۵ درصد تا پایان برنامه پنجم توسعه برسد که طبیعتاً اگر این امر رخ می‌داد، به همین نسبت نیز باید سهم بخش تعاون در اشتغال به بیش از ۲۰ درصد می‌رسید، با این حال طبق آخرین آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، طی سال ۹۷ کل شاغلان ۱۴ بخش با فعالیت حوزه تعاون یک میلیون و ۲۴۴ هزار و ۳۲۴ نفر بوده است. بر این اساس با در نظر گرفتن ۲۳ میلیون و ۸۱۳ هزار و ۴۵۰ نفر کل شاغلان کشور در سال ۹۷، با اشتغال یک میلیون و ۲۴۴ هزار و ۳۲۴ نفر در بخش تعاون، سهم این بخش از کل اشتغال کشور حدود ۷/۳ درصد است که این میزان همانند سهم بخش تعاون از اقتصاد ملی، بسیار کمتر از ارقام پیش‌بینی شده در سند چشم‌انداز است.

## ماجرای ۲۵ هزار میلیاردی که نیست

یکی از نکات قابل تامل فعالیت‌های بخش تعاون در ایران، معضل موسسات و تعاونی‌های اعتباری است که در سال‌های اخیر با اعلام ورشکستگی این نهادها، دولت مجبور شد ۲۵ هزار میلیارد تومان (معادل کل بودجه عمرانی محقق شده یک سال کشور) را به سپرده‌گذاران این موسسات پرداخت کند. در این زمینه به جرات می‌توان گفت موسسات تعاونی‌های اعتباری نقش قابل توجهی در مشکلات فعلی اقتصاد ایران دارند، چرا که اگر نگاهی به تاریخ شکل‌گیری این موسسات داشته باشیم، به خوبی روشن می‌شود پس از دهه ۷۰ که این موسسات بدون نظارت بانک مرکزی و نهادهای ناظر رشد کردند، این موسسات عملاً مالک ۳۰ درصد از نقدینگی کشور شدند و این نقدینگی با اهداف مخرب خود در

## سهم تعاونی‌های فعال و غیر فعال کشور از کل تعاونی‌های تأسیس شده طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷



سوداگری بازار زمین، مسکن، ارز، باخواری، تحصیل مال نامشروع و پولشویی به کار گرفتند.

در اینجا این سوال مطرح می‌شود که آیا اساساً موسسات مالی و اعتباری نباید در بخش تعاون شکل بگیرند؟ پاسخ به این سوال کاملاً واضح است، چرا که در سطح جهان و در ایران نیز تا سال ۸۳ موسسات اعتباری بدون کمترین مشکلی، تشکیل شده و نقدینگی بخش تولید تعاونی را تأمین می‌کردند. اما در سال ۸۳ اتفاق عجیبی رخ داد، به طوری که تا سال ۸۳ تعاونی‌های اعتباری حق نداشتند خارج از اعضای تعاونی‌ها سپرده‌گیری کنند اما در سال ۸۳ کل تعاون استان خراسان برای اولین بار مجوزی برای موسسه تعاونی و اعتباری عسکریه صادر کرد که به طور آزادانه می‌توانست از خارج از تعاونی‌ها سپرده‌گیری و اقدام به تأسیس شعبه در همه محله‌ها و شهرها کند. پس از این اتفاق، عده‌ای با فشار سیاسی و تجمعات پی‌درپی، اداره تعاون خراسان را مجبور کردند در همان سال ۸۳ برای ۱۱۰ موسسه اعتباری دیگر نیز مجوز صادر کنند. این بی‌قانونی در کل کشور گسترده شد و براساس آمارهای بانک مرکزی، تعداد تعاونی‌های اعتباری در تیرماه سال ۹۳ به ۹۱۷ تعاونی رسید.

اما معضل تعاونی‌های اعتباری چگونه رخ داد؟ به جهت اینکه وزارت تعاون براساس قانون داخلی خود، مسئول اعطای مجوز و نظارت بر این نهادها می‌بود، بدون نظارت بانک مرکزی تعاونی‌های اعتباری در تاریخچه‌های بنام بخش تعاون، دست به سوداگری، باخواری، تحصیل مال نامشروع و پولشویی و ده‌ها اقدام مشروع و نامشروع زدند و در نهایت با ورشکستگی مالی تعاونی‌های اعتباری بزرگی همچون تعاونی اعتبار افضل توس با ۲۱۷ شعبه، تعاونی اعتبار میزان با ۱۱۰ شعبه، تعاونی اعتبار ثامن الحجج با ۴۸۱ شعبه، تعاونی اعتبار وحدت با ۱۴۵ شعبه، تعاونی اعتبار البرز ایرانیان با ۵۵ شعبه و تعاونی اعتبار فرشتگان با ۲۱۲ شعبه، بیشترین و بزرگ‌ترین مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی از سوی این تعاونی‌های اعتباری به کشور و ملت ایران تحمیل شد.

## تعداد تعاونی‌های فعال، ثبت شده و در دست اجرای حوزه‌های مختلف اقتصادی تا پایان سال ۱۳۹۷

حوزه فعالیت	شاغلان		شرکت‌های تعاونی فعال، ثبت شده و در دست اجرا	
	تعداد	سهم از کل (درصد)	تعداد	سهم از کل (درصد)
کشاورزی و شکار و جنگلداری	۲۵۴,۱۱۸	۱۴,۶	۲۳,۴۹۹	۲۵,۴
شیلات	۳۹,۳۴۷	۱,۷	۲,۱۶۷	۲,۳
استخراج معدن	۲۴,۰۴۳	۱,۴	۱,۳۹۲	۱,۵
صنعت	۲۶۵,۴۹۹	۱۵,۲	۲۰,۷۴۱	۲۲,۵
تأمین برق و گاز و آب	۱۰,۴۳۲	۰,۶	۶۸۸	۰,۷
ساخت‌مان	۴۱۸,۳۲۳	۲۴,۰	۱۲,۷۳۰	۱۳,۸
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۲۸۴,۶۸۴	۱۶,۳	۸,۱۵۵	۸,۸
هتل و رستوران	۱۴,۶۴۲	۰,۸	۱,۱۳۰	۱,۲
حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات	۸۰,۳۴۳	۴,۶	۴,۰۳۹	۴,۴
واسطه‌گری مالی و سهام عدالت	۹۸,۱۱۸	۵,۶	۱,۶۷۲	۱,۶
مستغلات اجاره و فعالیت‌های کسب و کار	۱۵۷,۸۸۱	۹,۱	۸,۶۴۰	۹,۴
آموزش	۳۵,۶۵۵	۱,۵	۲,۲۴۱	۲,۴
بهداشت و مددکاری اجتماعی	۲۶,۲۸۵	۱,۵	۲,۰۱۳	۲,۲
سایر فعالیت‌های خدمات عمومی و اجتماعی	۵۴,۹۵۴	۳,۲	۳,۶۶۳	۳,۷
جمع	۱,۷۴۴,۳۲۴	۱۰۰	۹۲,۳۷۰	۱۰۰

## تفکر توسعه تعاون در کشور از بین بردند



حسین صفایی | مدیرعامل سابق سازمان تعاون روستایی کشور  
برای توسعه تعاون در کشور ابتدا یک بستر اجتماعی با زیرساخت گسترش تعاون در اقتصاد مورد نیاز است. به عبارت دیگر، زمانی می‌توان انتظار داشت نهاد تعاون گسترش پیدا کند که گرایش به کار گروهی تقویت شود و حرکت عمومی جامعه به سمت کار گروهی و همگرایی پیش برود. در واقع اگر حرکت عمومی و گرایش کلی جامعه به سمت منفعت‌گرایی شخصی سوق پیدا کند، نمی‌توان توقع داشت در چنین بستر اجتماعی و فکری، نهاد تعاون گسترش یابد. فضایی که در دهه‌های گذشته در کشور با آن مواجه بودیم نشان می‌دهد همگرایی در کلیت نظام اجتماعی ربه افول رفته و نفع‌گرایی شخصی تقویت شده است؛ این اتفاق واقعیتی است که خواه‌ناخواه جامعه ایران را گرفتار خود کرده است. بنابراین در شرایطی که فردگرایی در روند کلی جامعه تقویت شده است، علی‌القاعده بستر برای توسعه نهاد تعاون فراهم نمی‌شود. سندی که در برنامه توسعه کشور تدوین شده است همانند بسیاری از سندهای دیگر الزامات اجرایی ندارد. وقتی سندی تهیه و افاق‌هایی که برای گسترش نهاد تعاون در اقتصاد در نظر گرفته می‌شود بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه باشد، در عمل موفقیت‌مورد نظر حاصل نمی‌شود. اینکه آیا اصولاً تفکر کار جمعی و هم‌گرایی در فضای اجتماعی کشور وجود دارد؟ آیا بسترهای فرهنگی تحقق این امر فراهم شده است؟ چه الزاماتی برای رسیدن به این افاق باید فراهم شود؟ اینها سوالاتی است که برای تهیه و تدوین یک سند توسعه باید مورد نظر سیاست‌گذاران قرار گیرد. این در حالی است که تاکنون دستگاه‌های متولی به الزاماتی که این حرکت را شکل و سهم تعاونی‌ها را در اقتصاد کشور افزایش دهد، پایبند نبوده‌اند.



مضاف بر فراهم نبودن بستر لازم، هیچ‌گاه تفکر و باور توسعه تعاون در کشور و میان مسئولان این بخش وجود نداشته است. در واقع نگاه‌ها به وضعیت سال‌های گذشته کشور نشان می‌دهد دولت کلاد در فکر نهادسازی نبوده است. به عبارت دیگر، امکاناتی که دولت طی سال‌های گذشته در اختیار داشته در حوزه اقتصاد تدافعی مورد استفاده قرار داده است، در نتیجه زمانی که مقدمات دولت در موضع تدافعی قرار گیرند نمی‌توان از آن در جهت تحقق اهداف بلندپروازانه استفاده کرد. وقتی در قانون تعاون اجازه داده می‌شود تعاونی‌های اعتباری و موسسه‌های مالی اعتباری هم به عنوان یکی از تعاونی‌ها فعالیت کنند، قانونگذار باید بداند که شکل‌گیری یک نهاد مالی بدون وجود الزامات نظارتی امکان‌پذیر نیست. به جرات می‌توان گفت در سال‌های گذشته الزامات نظارتی نه تنها در نهادهایی که متولی تعاون بودند فراهم نبوده، بلکه بانک مرکزی نیز وظیفه خود را نسبت به موسسات نهادهای مالی به درستی انجام نداده است. نتیجه این اتفاقات فاجعه‌ای شد که اقتصاد کشور و به دنبال آن اقتصاد خانوارها را دچار مشکل کرد و دولت را بر آن داشت تا برای جلوگیری از یک اتفاق اجتماعی بزرگ‌تر، بدهی‌های بدهکاران و نهادهای مالی را از خزانه کشور پرداخت کند. براساس آمار موجود، مجموع بدهی‌های موسسات مالی و اعتباری به سپرده‌گذاران حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بوده است. باید پذیرفت این اتفاقات یک گریزگاه قانونی در قانون تعاون اقتصاد ایران بوده که باعث ایجاد تمامی مشکلات اقتصادی برای مردم و کشور شده است.

## سهم بخش تعاون در اقتصاد آمریکا؛ معادل کل GDP ایران

عادل پیغامی | اقتصاددان و معاون پژوهش و فناوری دانشگاه امام صادق (ع)

در سه قرن گذشته، سوال مهمی در اندیشه اقتصادی کشورهای پیشرفته توسعه یافته مطرح بوده است. کشورهای توسعه یافته همواره بر این باور بوده‌اند که چگونه می‌توان دوگان بخش خصوصی و بخش دولتی را در اقتصاد یک کشور به چنگاندن تبدیل کرد تا به این وسیله بخشی از مشکلات ناشی از خصوصی شدن یا دولتی بودن اقتصاد مرتفع شود. یکی از راهکارهای تحقق این هدف در طول تاریخ، به ویژه در دو سه قرن اخیر، تقویت بخش‌های عمومی و بخش‌های تعاونی بوده است. به عبارت دیگر، بازیگران سوم و چهارمی به اقتصاد معرفی شدند که تاریخچه ورود این بازیگران به اقتصاد قابل ملاحظه است. در کشورهای توسعه یافته مانند انگلستان، آلمان، فرانسه و آمریکا بخش تعاونی طی دو قرن اخیر شکل گرفته و معمولاً کارپروژه‌های خاص خود را داشته‌اند. برخلاف تصور عده‌ای که گمان می‌کنند بخش تعاونی یک بخش کوچک، فاقد اهمیت و به اصطلاح یک تفکر «من‌آوردی» است و در کشورهای پیشرفته اقتصادی مردود و غیرقابل استفاده است، اما بررسی پیشرفت اقتصادی کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد بخش تعاون در همه این کشورها نقش پررنگی در اقتصاد داشته و مواقعی که بخش دولتی و بخش خصوصی در پیشبرد اقتصاد با شکست مواجه می‌شوند و عملاً توانایی ادامه کار را ندارند، بخش تعاونی و بعد از آن بخش عمومی که خود شامل چند زیربخش است- ورود پیدا می‌کنند. جالب است بدانید گردش مالی و میزان مشارکت بخش تعاونی در GDP آمریکا رقمی معادل کل GDP ایران است. در آلمان نیز طیف وسیعی از نهادهای تعاونی از جمله نهادهای مالی و اعتباری با تعاونی‌های تولیدی و تعاونی‌های مصرفی وجود دارند. آلمان در زمره اقتصادهایی قرار دارد که از بخش تعاونی در پیشرفت ۶۰ تا ۷۰ درصدی اقتصادی خود استفاده‌های بسیار خوبی کرده است.

اکنون با این مقدمه ضرورت بخش تعاون که در قانون اساسی کشور و از سوی کسانی مانند شهید بهشتی که آشنایی خوبی با اقتصادهای پیشرفته دنیا داشتند قرار داده شده است، مشخص می‌شود.

## بخش تعاون از اقتصاد رانته شکست خورد

در دهه نخست انقلاب اسلامی و با توجه به فضای حاکم بر کشور، تعاونی‌های مصرفی بیش از تعاونی‌های تولیدی شکل گرفت. تعداد اندک تعاونی‌های تولیدی نیز با تمرکز بر حوزه کشاورزی ایجاد شد

اما در حوزه صنعت و خدمات تعداد تعاونی‌ها انگشت‌شمار بود. وجود این، اقتصاد ایران در دهه نخست انقلاب به سمتی حرکت کرد که توسعه بخش تعاون مدنظر سیاست‌گذاران قرار گرفت تا حدی که وزارتخانه مجزایی برای این بخش شکل گرفت، اما متأسفانه و در ادامه راه، توجه به طواهر، شمارها و ساختارهای فیزیکی و بخشی اجازه توسعه بخش تعاون را نداد. به بیان دیگر، هیچ‌گاه طراحان درستی برای ایجاد زمینه‌های نهادی بخش تعاون و سامانه انگیزشی این حوزه در اقتصاد انجام نشد و بخش تعاون در تعارضی که در فضای رانته اقتصادی ایران به وجود آمد، هیچ‌گاه مورد حمایت قرار نگرفت. در نتیجه و به رغم تأکید مقام معظم رهبری بر توسعه بخش تعاون، اقتصاد ایران نتوانست در این مسیر گام بردارد.

یکی از اشکالات عمده‌ای که در مسیر توسعه تعاون وجود داشت، فقدان قانون و مقررات، نبود ابزارهای حمایتی و تشویقی و تجربیات اشتباهی بود که در این بخش اتفاق افتاد و رفته‌رفته بخش تعاون را تضعیف کرد. برای مثال در شکل‌گیری تعاونی‌های مسکن، نااهم‌نگی‌هایی میان وزارت مسکن و وزارت تعاون وجود داشت. در واقع در یک سو تعاونی‌های مسکن شکل گرفت اما از سوی دیگر بر عملکرد آنها نظارت درستی نشد و میان این نااهم‌نگی‌ها، حق مردم در بسیاری از موارد محقق نشد. تجربه این شکست‌ها در مواردی وجهه تعاونی را زیر سوال برد. به مرور زمان نیز تعاونی‌هایی که از ابتدا به نام موسسه مالی و اعتباری در کشور شکل گرفت و تعداد آنها نیز روز به روز افزایش یافت، مجوز فعالیت خود را از بخش تعاون گرفتند، اما در عمل در حوزه بازار پول و اعتبار کشور فعالیت کردند و متأسفانه خلاف‌کاری‌هایی نیز در این میان اتفاق افتاد. حتی مسئولان وزارت تعاون نیز به دلیل ناآشنایی با مقوله تعاون، تعاونی و مدیریت تخصصی که مورد نیاز این بخش است، به وجهه تعاونی‌ها در اقتصاد کشور ضربه زدند. به طور کلی مسئولان اقتصادی کشور نتوانستند در توسعه این بخش، مردمی کردن اقتصاد و مقابله با اقتصاد رانته عملکرد خوبی از خود برجای بگذارند.

برخلاف ایران که تعاونی‌های اعتباری زبان سنجینی را به کشور وارد کردند، در کشور آلمان بانک‌های تعاونی وجود دارد که به شکل تخصصی و با هدف حمایت از بخش تعاون فعالیت می‌کنند. به طور کلی بخش تعاونی به نقدینه شدن اقتصاد کمک می‌کند. از آن حیث که تعاونی اساساً یک شبکه است و شبکه‌ای بین انسان‌هایی که منافع همسو دارند، از این رو در هم جمع می‌شوند و سعی می‌کنند با اشتراک منافع و داشته‌هایشان چرخ اقتصاد کشور را بچرخانند. حال این

اجتماع می‌تواند میان مجموعه‌ای از نخبگان یا صاحبان حرف و فعالان صنعتی یا اهالی دانش بنیان شکل گیرد که هر کدام در مقیاس لازم برای بخش مورد نظر فعالیت کنند. نکته حائز اهمیت اینکه مدیریت زنجیره ارزش متشکل از حلقه‌های متعددی است. اگر زمانی در زنجیره ارزش، حلقه‌ای حلقه‌هایی مفقود شود، با کمک سایر حلقه‌ها می‌توان در شکل‌گیری تعاونی‌های زنجیره خلق ارزش را تأمین و تکمیل کرد؛ اما متأسفانه فهم درستی از این نگاه به تعاونی‌ها که می‌توانند در زنجیره خلق ارزش کارپروژه داشته باشند و عملاً یک شبکه محسوب می‌شوند، در کشور وجود ندارد. حتی مسئولان این حوزه نیز معتقدند تعاونی‌ها مربوط به فضای سوسیالیستی قرن هجدهم است و با این نگاه به شکل‌گیری و فعالیت تعاونی بی‌توجهند. این در حالی است که در کشورهایی مانند آلمان و آمریکا، بخش تعاونی بخش بسیار زنده و پویایی از اقتصاد است. حتی عده‌ای معتقدند تعاونی یک نهاد اقتصادی سه‌امی است در حالی که نظام انگیزشی درون تعاونی با نگاه خصوصی سه‌امی خاص یا سه‌امی عام تفاوت بسیار زیادی دارد. بی‌تردید همین نگاه غلط به تعاونی‌هاست که مانع تقویت و رشد و توسعه تعاونی‌ها در کشور شده است.

اجازه ندادند رشته دانشگاهی برای بخش تعاون تأسیس کنیم  
قریب به ۱۰ سال پیش، سه رشته در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «اقتصاد تعاونی»، «مالیه تعاونی» و «مدیریت اجرای بخش تعاونی» طراحی و به مسئولان حوزه تعاون کشور پیشنهاد شد تا اگر قرار است ۲۵ درصد از اقتصاد کشور در دست تعاونی‌ها باشد، زنجیره منابع انسانی، مدیران و کادربان لازم برای بنگاه‌های تعاونی تربیت شود؛ اما متأسفانه گنجاندن این سه رشته در فضای علمی و دانشگاهی کشور هیچ‌گاه عملی نشد و پس از آن نیز با تغییر مدیران بخش تعاون، اهمیت تقویت تعاونی‌ها دور از نگاه مدیران قرار گرفت. به خوبی می‌توان نتیجه‌گیری کرد وقتی در دانشگاه‌های کشور رشته‌ای برای تربیت متخصصان تعاون وجود ندارد، تحقیق علمی نمی‌شود و پایان‌نامه‌ای در این زمینه نوشته نمی‌شود و طبیعتاً است که این بخش روز به روز ضعیف‌تر می‌شود.

